

## ارزیابی شاخص‌های شهروندی در برنامه‌ریزی شهری

حمیدرضا وارثی<sup>۱</sup> و محمود محمودزاده<sup>۲</sup>

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۳/۲۹، تاریخ تایید: ۱۳۹۴/۵/۱

### چکیده

یکی از مهمترین دغدغه‌های برنامه‌ریزان شهری، تأمین حداکثر رضایتمندی شهروندان است. موضوع رضایتمندی ساکنین یک شهر بعنوان پایه و اساس پیامدهایی چون حس تعلق به مکان، هویت، مشارکت فعال، پیوستگی اجتماعی و ... به‌عنوان هدف بنیادین برنامه‌ریزی شهری، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هدف اصلی از پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل جایگاه شهروندی در الگوهای برنامه‌ریزی شهری و شاخص‌های شهروندی در دو بخش حقوق و وظایف می‌باشد. نوع و روش تحقیق ترکیبی (پیمایشی، همبستگی و اسنادی و...) با بهره‌گیری از آزمون‌های آماری از جمله (آزمون T و آزمون فریدمن) بوده و از ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات از میان ۱۰۰ نفر متخصصان و کارشناسان که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای توأم با تصادفی ساده انتخاب شده بود، استفاده گردیده است. در بررسی الگوهای برنامه‌ریزی شهری، نتایج نشان می‌دهد که اگر چه هر الگویی بر گروهی و دسته‌ای از شهروندی تأکید دارند، ولی بستری برای حضور و مشارکت شهروندان به معنای عام را فراهم نمی‌آورند و مشارکت برای گروه‌های برگزیده‌ای از مردم فراهم می‌شود و بیش از آن که در جهت منافع جمعی باشد در جهت منافع گروهی و طبقاتی عمل می‌کند. همچنین در بررسی شاخص‌های شهروندی در بخش حقوق؛ موضوع مشارکت (۸/۱۳)، عدالت (۷/۴۵)، امنیت (۷/۲۷)، دارای بیشترین تأثیر در شاخص‌های مورد بررسی می‌باشد، و نیز در بخش تعهدات و وظایف؛ شاخص‌های قانون‌مداری و پذیرش منافع عمومی با ضریب (۳،۲۷) از جایگاه و اهمیت بالاتری برخوردار می‌باشد.

کلیدواژگان: شهر، شهروندی، برنامه‌ریزی شهری، حقوق و وظایف، الگوهای برنامه‌ریزی شهری.

۱. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان

۲. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان

## مقدمه

شهروندی مفهوم جدیدی است که براساس زندگی شهری در جوامع مدنی شکل گرفته است. شهروندی به مثابه فرآیندی اجتماعی و سیاسی از قرن نوزدهم در جوامع مدنی به صورت تعامل جدی بین دولت و ملت مطرح و به‌طور همزمان با مسأله عضویت در دولت-ملت‌ها از مباحث مهم اجتماعی و سیاسی شده است. شهروندی پویاترین مفهوم اجتماعی جامعه مدرن تلقی شده است، به‌عبارت دیگر باید گفت که اساس جامعه مدنی بر محور نهادهای اجتماعی نظام شهروندی شکل گرفته است. به‌طورکلی، شهروندی یک نوع قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسله حقوق متقابل و همچنین یک احساس مشترک عمومی نسبت به هویت ملی و اجتماعی در یک محدوده مشخص است (عاملی: ۱۳۸۰: ۶۶).

با گسترش شهرنشینی و مهاجرت به شهر، ازدیاد جمعیت شهری در مناطق مختلف، ورود تکنولوژی و وضع مقررات و قوانین در اجتماع بزرگ انسانی جهت حفظ نظم و برقراری امنیت مفاهیمی چون شهروندی تولد یافتند و صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم به مطالعه و گسترش این مفاهیم شهری پرداختند به‌طوری که "مفهوم شهروندی" اگر چه دارای یک تاریخ طولانی است، اما هنوز هم مبهم و مساله‌دار است. شهروندی نوعی قرارداد اجتماعی است که هدف اصلی آن ارتقای رفاه و امنیت در سطح جامعه است و ضرورتاً به این امر می‌پردازد که افراد یک جامعه چگونه باید رفتار کنند تا به این هدف برسند. مفهوم شهروندی در بُعد اجتماعی که ناظر بر حق مداری انسان مدرن می‌باشد ایده‌ای است که در اروپای غربی زاده شد و در قرن شانزدهم همزمان با فراگیر شدنش انتشار یافت (فتحی و مختارپور، ۱۳۹۰: ۹۰).

در این راستا برنامه‌ریزی شهری با ایجاد اعتماد اجتماعی مبنی بر تأمین و پاسخگویی به حقوق عمومی و خصوصی شهروندان باید زمینه‌سازی مطلوب و کاملی را در مشارکت شهروندان در تهیه، تصویب و اجرای برنامه موردنظر را ایجاد نماید. در این صورت مقاومت عمومی در مقابل اجرای طرح‌ها و پروژه‌های حاصل از برنامه‌ریزی شهری مورد اشاره به حداقل رسیده و جای آنرا اعتماد و مشارکت عمومی در جهت تحقق اهداف، برنامه‌ها و پروژه‌ها را خواهد گرفت. در این میان نقش برنامه‌ریزی شهری به‌عنوان سند و زمینه‌ساز شرایط مذکور بسیار حایز اهمیت می‌باشد. از طرفی نیز برنامه‌ای موفق و قابلیت تحقق حداکثری را دارد که از مقبولیت عام

برخوردار بوده و در جهت صلاح و کمال عمومی شهروندان تنظیم شود و توانایی همراهی آنها را نیز در تهیه و اجرای آن داشته باشد. لذا، پژوهش حاضر به تحلیل جایگاه شهروندی در الگوهای برنامه‌ریزی شهری می‌پردازد و همچنین به بررسی فرضیه‌های ذیل در حوزه شهروندی در دو بُعد حقوق و وظایف شهروندی به شرح ذیل پرداخته شده است:

- بین مؤلفه‌ها در بخش حقوق شهروندی تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین مؤلفه‌ها در بخش وظایف شهروندی تفاوت معناداری وجود دارد.
- تأثیر همه مؤلفه‌ها در بخش حقوق شهروندی یکسان نیست.
- تأثیر همه مؤلفه‌ها در بخش وظایف شهروندی یکسان نیست.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر، از نوع بنیادی و روش آن توصیفی-تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری در این پژوهش ۱۰۰ نفر از بین صاحب‌نظران مختلف و نظریه‌پردازان در عرصه برنامه‌ریزی شهری، اجتماعی است. این نوشتار در جهت بررسی جایگاه شهروندی در برنامه‌ریزی شهری و شناسایی مؤلفه‌های شهروندی است. روشی که برای نیل به این هدف در نوشتار حاضر اتخاذ گردیده، روش "پیمایشی-مصاحبه‌ای" در مورد شناسایی مؤلفه‌های شهروندی در برنامه‌ریزی شهری است و با بهره‌گیری از روش‌های آماری آزمون T و فریدمن به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است.

**آماره آزمون T:** آزمون T یکی از روش‌های پارامتری است که به منظور مقایسه و دستیابی به این مهم که؛ آیا تفاوت بین میانگین‌های دو گروه آماری معنادار هست یا نه، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

**آماره آزمون فریدمن:** از آزمون فریدمن برای مقایسه میانگین‌های چند جامعه وابسته استفاده می‌گردد. این آزمون معادل ناپارامتری تحلیل واریانس یک طرفه درون آزمودنی‌ها است (کلاتری، ۱۳۸۹: ۱۱۸).

### مبانی نظری

جهت پرداختن به شناخت مفهوم شهروندی و جایگاه آن در برنامه‌ریزی شهری و پژوهش پیرامون آن بررسی و توجه به برخی از تعاریف پایه‌ای الزامی است. از این رو به‌منظور تبیین مفهوم مزبور و ابعاد معنایی آن متون تخصصی در حوزه شهر و برنامه‌ریزی شهری مورد بررسی قرار گرفته است.

### مفهوم شهروندی

«شهروند» یا ستیزین از واژه لاتین «سیویتاس»<sup>۱</sup> مشتق شده است. این واژه در زبان لاتین تقریباً معادل کلمه‌ی «پولیس»<sup>۲</sup> در زبان یونانی است (پللو و قاضی، ۱۳۷۰:۱). در دایره‌المعارف بریتانیکا آمده «مفهوم شهروندی در معنای مدرن آن ناظر به ارتباط فرد و دولت است که طی آن از سویی فرد مرهون وفاداری به دولت و از طرف دیگر، مستحق حمایت از جانب دولت است». در تعریف مذکور سه نکته‌ی اساسی وجود دارد: ۱. شهروندی منحصر به ارتباط فرد و دولت است؛ ۲. این ارتباط متضمن حقوق و تکالیف معینی است و ۳. شهروند و وظیفه‌ی وفاداری به دولت را نیز برعهده دارد (Frey, 2003: 96).

در لغت‌نامه‌ی دهخدا شهروند «اهل یک شهر و یا یک کشور» تعریف شده است و معادل انگلیسی شهروند، «citizen» است (پورطهماسبی و تاجور، ۱۳۹۰: ۵). در جدول (۱) به تعاریفی که برخی از بزرگان و دانشمندان از مفهوم شهروندی ارائه شده است.

- 
1. ciuitas
  2. Polis

## جدول ۱: تعارف شهروندی از دیدگاه صاحب‌نظران

صاحب نظر	تعاریف	محتوای مفهوم
ارسطو	از نظر ارسطو شهروند کسی است که به طور دایم در اجرای عدالت و حفظ دولت سهیم می‌شود. شهروندی حق شرکت در تصمیم‌های دولت و صلاحیت اعمال حاکمیت دولت است.	عدم برابری انسان‌ها، برخورداری برخی از انسان‌ها از امتیازات خاص، اهمیت مشارکت سیاسی
مارشال	شهروندی را در رویکردی تکاملی و تاریخی به سه بعد «مدنی»، «سیاسی» و «اجتماعی» تقسیم می‌کند.	تأکید بر حقوق
ترنر <sup>۱</sup>	شهروندی با مدرنیزاسیون مرتبط است از این رو نیروهای حامی مدرنیزاسیون توسعه دهنده شهروندی هستند.	ارتباط شهروندی با مدرنیزه
فالكس <sup>۲</sup>	شهروندی بیانگر ارتباط میان حقوق، مسئولیت‌ها، و مشارکت است که برای هر نوع اداره‌ای لازم و ضروری‌اند و هم اکنون شهروندی سازوکار خوبی برای تحقق حقوق و تکالیف است. شهروندی به مدد مجموع حقوق، وظایف و تعهداتش راهی برای توزیع و اداره‌ی عادلانه منابع از طریق تقسیم منافع و مسئولیت‌های زندگی اجتماعی ارائه می‌کند.	تأکید بر حقوق و تکالیف و برابری رفتار با تمام شهروندان
جانوسکی <sup>۳</sup>	شهروندی عضویت فعال یا غیرفعال افراد در ملت- دولت با حقوق و تکالیف عام گرایانه‌ی مشخص و در یک سطح مشخص از برابری است.	- شهروندی با عضویت در ملت- دولت شروع می‌شود. - شهروندی دارای حقوق و تکالیف معینی است. - حقوق شهروندی عام است. - شهروندی حاکی از برابری حقوق و تکالیف در محدوده‌ای خاص است.
آنتونی گیدنز	شهروندی نه موقعیتی اثرپذیر بلکه حالتی اثرگذار است و با سلطه سازگاری ندارد. فرد با اعمال حقوق و ایفای تعهدات، شرایط ضروری شهروندی را باز تولید می‌کند.	هر فرد در سرنوشت دیگری تأثیرگذار

(bryan Turner, 1993) و (bryan Turner, 1990) و (Janoski, 1997:9-10), (Colema, el, 1971),

(کلمن، ۱۳۸۰:۱۲۳) (ترکمان و بهمن پور، ۱۳۸۸:۱۳) (فالكس، ۱۳۸۱:۱۵)

1. bryan Turner
2. Faulks
3. Janoski

شهروندی در جهان معاصر از معنای حقیقی خود دور شده است. بنابراین با توجه به نظریه‌های شهروندی، هسته مشترک تعاریف ارائه شده از شهروندی به شرح زیر است:

- نوعی پایگاه و نقش اجتماعی مدرن برای تمامی اعضای جامعه؛
- مجموعه به هم پیوسته‌ای از وظایف، حقوق، تکالیف و مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی همگانی، برابر و یکسان؛
- احساس تعلق و عضویت اجتماعی مدرن برای مشارکت جدی و فعالانه در جامعه و حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی؛
- برخورداری عادلانه و منصفانه تمامی اعضای جامعه از مزایا، منابع و امتیازهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و امنیتی فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی، مذهبی و قومی (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۸۹: ۱۶۳-۱۶۲).

### پیشینه شهروندی

در پژوهش حاضر، نظریه‌های شهروندی به سه دوره شهروندی پیشامدرن، مدرن و پسامدرن به شرح ذیل مطرح شده است:

**نظریه شهروندی پیشامدرن:** آغازگر طرح مفهوم شهروندی ارسطو است. وی با تعریف شهروند به عنوان فردی که به مثابه‌ی یک موجود سیاسی، اجتماعی در امور جامعه‌اش مشارکت دارد و از طریق این مشارکت قادر است تا هستی اجتماعی سیاسی‌اش را تحقق بخشد، واضع نظریه شهروندی پیشامدرن محسوب می‌گردد. روی هم گزاره‌هایی که در این باره ارسطو ارائه نموده بیانگر نسبت جامعه و شهروندی، مشارکت، حقوق، وظایف و مسئولیت‌های شهروندی، دموکراسی و شهروندی و نهایتاً رابطه دوسویه دولت و شهروندان است. فالکس، ایده شهروندی پیشامدرن مبنایی برای ایده شهروندی مدرن بوده است. بویژه این که برداشت‌های یونانی، رومی که ناظر به برابری اخلاقی موجودات انسانی بوده سهمی در خور توجه در تولید ایده شهروندی محسوب می‌شود (فالکس، ۱۳۸۱: ۳۵-۲۶).

**نظریه شهروندی مدرن:** در فلسفه‌های سیاسی ماکیاول، هابز، روسو، کانت، هگل، میل، توکویل و مارکس رگه‌های تئوریک اولیه از مفهوم شهروندی مدرن ارائه شده است. ترنر و امیلتون (۱۹۹۴)

مؤلفه‌های کلیدی مندرج در نظریه شهروندی مدرن را شناسایی نمودند که عبارتند از: جامعه مدنی، جامعه سرمایه‌داری، عقل‌گرایی، برابری، عدالت، حوزه عمومی، قرارداد اجتماعی، مسئولیت‌های اخلاقی، اراده همگانی، مشارکت، سکولاریزم، لیبرالیسم، پارلمانتاریزم و دموکراسی. میلر نظریه‌پرداز سیاسی معاصر (۱۹۹۹) در جمع‌بندی که از نظریه شهروندی مدرن (اولیه) مبتنی بر آرای فلسفی سیاسی سده‌های ۱۸-۱۹ به دست داده است، در کل قائل به دو نوع الگوی تئوریک در شهروندی مدرن است. الف. **شهروندی جمهوری‌گرای ماکیاول**، ضمن تأیید مقوله حقوق و وظایف شهروندی تأکید اصلی بر ضرورت مشارکت جدی و فعالانه افراد در زندگی سیاسی اجتماعی است. این مشارکت با ایفای نقش شهروندی به عنوان عضویت تمام عیار در زندگی اجتماعی سیاسی صورت می‌گیرد؛ ب. **شهروندی لیبرال مدنی و عرفی هابز و لاک**، محوریت با حقوق و تکالیف شهروندی است. شهروند بودن به معنای برخورداری از حقوق مدنی (حق امنیت، آزادی، جان و دارایی، آزادی عقیده و بیان و حق رای دادن) و نیز مکلف بودن به اطاعت از قانون و رعایت حقوق سایر شهروندان است (ترکمان و بهمن‌پور، ۱۳۸۹: ۱۵-۱۴).

**نظریه شهروندی پسامدرن:** ادعای پیدایی شکل‌بندی پسامدرن در جامعه غرب به موازات شکل‌گیری هویت‌ها و صورت‌بندی‌های پسامدلی، جهانی شدن، جهانی محلی شدن، چند فرهنگی‌گرایی و مانند آن‌ها و نیز ادعای عام‌گرایی نامناسب نظریه‌های شهروندی مدرن و جدید که همراه با حذف خاص‌گرایی‌ها، طرد اقلیت‌ها و گروه‌های محروم و حاشیه‌ای از دایره شهروندی کامل به ویژه زنان بوده و هست؛ محوریت اصلی داعیه‌های تئوریک و گفتمان نظریه شهروندی پسامدرن را تشکیل می‌دهد. به‌طور خلاصه محورهای اصلی این نوع نظریه را می‌توان به صورت زیر فهرست نمود: الف. سلطه گفتمان مرد سالاری و مذکر سالاری در نظریه شهروندی مدرن که موجب طرد زنان از حوزه شهروندی و حوزه عمومی و راندن آنان به سمت حوزه خصوصی شده است، حال آنکه در شهروندی پسامدرن شهروندی مؤنث نیز مورد تأکید است؛ ب. تناقضات ناشی از کاربست ایده شهروندی شمول‌گرای مدرن غربی که مورد ادعای دموکراسی لیبرال است؛ با نادیده گرفتن حقوق، شیوه‌های زندگی و ویژگی‌های کثرت‌گرایانه و خاص‌گرای گروه‌های اجتماعی متنوع و اقلیت‌های قومی نژادی مذهبی منجر شده است؛ پ. تقسیم جنسی و جنسیتی کار و زندگی در جامعه سیاسی کنونی (زنان و مردانه نمودن) به

وابسته کردن زنان به مردان و اعمال قدرت از سوی مردان بر زنان و همچنین تفکیک حوزه عمومی مردانه از حوزه خصوصی زنانه شده است. روی هم می‌توان ملاحظه نمود که در نظریه شهروندی پسامدرن همزمان و به صورت موازی تلفیقی از عام‌گرایی و خاص‌گرایی پررنگ شده است، چیزی که در شهروندی مدرن نسبتاً کم‌رنگ و یا کم‌حضور است (نجاتی حسینی، ۱۳۸۴: ۸).

### بررسی جایگاه شهروندی در الگوهای برنامه‌ریزی شهری

در این قسمت به الگوهای برنامه‌ریزی شهری به شرح ذیل اشاره می‌شود.

**الگوی برنامه‌ریزی شهری فن محور:** برنامه شهری فن محور با الگوی طرح جامع و تفصیلی و براساس نظریات ارگانستی و اصول کارکردگرایی "شهرسازی مدرن" درآمیخت و به صورت طرح‌های توسعه و عمران شهری به کار گرفته شد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۰: ۴۷). این شیوه به دلیل این که از جهت نظری، بر اصول عقلانی و تحلیل منطقی و از جهت عملی، بر نگرش کالبدی استوار بود، به سمت معیارهای کمی گرایش پیدا کرد. در این نوع برنامه‌ریزی، اهداف و مقاصد پیشاپیش توسط مسئولان و مدیران تعیین می‌شود. حیات شهر به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و فضاها تعریف می‌شود که باید نوع، اندازه و مکان آن را تعیین کرد. در این زمینه تأکید بر تخصص و نخبه‌گرایی است (Birkland, 1992, 123).

**الگوی برنامه‌ریزی شهری گام به گام:** برنامه‌ریزی شهری گام‌به‌گام، شیوه جدیدی در برنامه‌ریزی است که با هدف نقد الگوی برنامه‌ریزی جامع و تفصیلی مطرح شد و به دور شدن از اقتدارگرایی، آمریت و تخصص‌گرایی در فرایند برنامه‌ریزی کمک زیادی نمود و آن را به سمت پذیرش خرد جمعی سوق داد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۰: ۵۵). فرآیند تصمیم‌گیری به جای تکلیف قطعی به صورت گام‌به‌گام انجام می‌شود (حسینی، ۱۳۸۲: ۵۸-۵۵). مردم نیازهای خود را اعلام می‌کنند، اما اولویت‌های جامعه محلی توسط متخصص، مشخص و جهت اجرا به دولت و مدیران شهری ارائه می‌شود.

**الگوی برنامه‌ریزی شهری حمایتی:** برنامه‌ریزی حمایتی، گروه‌های مختلف شهری را دارای نیازهای متفاوتی می‌داند که برای هر یک، برنامه‌ریزی ویژه‌ای لازم است. گروه‌های بانفوذ شهری و ناحیه‌ای، همواره برنامه‌ریزی‌ها را به نفع خود سوق می‌دهند. باید برنامه‌ریزان، نقش وکلای مدافع



را بازی کنند و از حق و حقوق مردم دفاع نمایند. مبنای برنامه‌ریزی حمایتی یا وکالتی، ارائه خدمات و مهارت برنامه‌ریزی تخصصی به نفع گروه‌های اقلیت و فاقد توانایی مالی جهت کسب چنین خدماتی بوده است (Campbell, 1997: 118). در این الگو، نوعی سازش و توافق میان منافع گوناگون و متضاد به وجود می‌آید. مشکل اساسی برنامه‌ریزی شهری، حل اختلاف میان منافع گروه‌هاست. گروه‌های ذی‌نفعی که از نظر قدرت سیاسی و اقتصادی یکسان نیستند و معمولاً گروه‌های قوی‌تر، نقش مؤثرتری را در برنامه‌ریزی ایفا می‌کنند (Gullingworth, 1997: 90).

**الگوی برنامه‌ریزی شهری جنسیت محور- محیطی:** در این الگو بر چند اصل تأکید شده است:

۱) جامعیت، هماهنگی، نظارت گروه‌ها و اقشار، توجه به ارزش‌ها، فرهنگ انسانی با محوریت جنس مردانه؛

۲) بعد اخلاقی، تغییر جهت رویکرد کمی به اخلاق در فرایند تصمیم‌گیری و فناوری؛

۳) مراقبت و احترام به ارزش ذاتی طبیعت سایر موجودات؛

۴) تنوع فرهنگی در نظام‌های برنامه‌ریزی و مشارکت مردم (Birkland, 1991)؛

**الگوی برنامه‌ریزی شهری با رویکرد واحدهای همسایگی:** در این برنامه، دولت‌های محلی با درک ماهیت مشکلات، مسائل را شناسایی می‌کنند. ظرفیت پاسخگویی به مشکلات به شیوه‌ای پایدار و مؤثر ایجاد می‌شود. دموکراسی محلی با رویکرد واحدهای همسایگی دو هدف را دنبال می‌کند: نزدیکی و همگرایی دولت محلی با مردم و تنظیم عملکردها با نیازهای حوزه خاص شهر (Campbell, 1997: 233). این الگو، مستلزم درگیری برنامه‌ریزان با نیازهای حوزه‌های جغرافیایی خاص در تهیه، اجرا و ارزیابی است و ممکن است مسئولیت بخشی از کار به سطح محلی و مشارکت‌های مردمی تفویض شود.

با بررسی انجام شده در هر یک از الگوهای فوق، مشارکت گروه‌های برگزیده‌ای از شهروندان در الگوها به چشم می‌خورد، ولی هیچ‌کدام مشارکت و جایگاه شهروندی را مورد توجه قرار نمی‌دهند، بلکه نظرات شرکت‌ها و قدرتمندان، متخصصان، گروه‌های ذینفع، وکلا یا برتری جنسیت مردانه اولویت پیدا می‌کند. در بررسی این الگوها، می‌بایستی به تقویت و ارتقاء جایگاه شهروندی در برنامه‌ریزی و نظام مدیریت شهری پرداخت به نحوی که بخش شهروندی و بخش مدیریت شهری به‌عنوان مکمل یکدیگر عمل نمایند و با قرارگیری هر دو بخش در یک مسیر و

جهت هر کدام باعث افزایش توان دیگری گردد. بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به بررسی جایگاه شهروندی در الگوهای برنامه‌ریزی شهری که صورت گرفت، می‌توان ویژگی «شهروندی» را به این صورت بیان نمود: «شهروندی، کیفیتی است که تمامی توان و توجه‌اش معطوف به مردم ساکن در محیط شهری است تا از طریق پیوند و افزایش توان اجتماعی و هم‌سویی و پاسخگویی نظام مدیریت شهری به توقعات معقول و قانونی شهروندان موجب رضایت و خشنودی آنها در شهر را فراهم آورد».

### جدول ۲: جایگاه شهروندی در الگوهای برنامه‌ریزی شهری

نوع برنامه‌ریزی	توضیحات	جایگاه شهروندی
فن محور یا جامع	در این الگو، برنامه‌ریزی از قبل انجام شده و تصمیم لازم گرفته می‌شود. تأکید بر وظایف کارکردی و اهمیت نظر متخصصان.	حضور شهروندی فعال در برنامه فراهم نیست. عدم تبادل نظر با شهروندان نظرات افکار عمومی مرجع تصمیم‌گیری قرار نمی‌گیرد.
گام به گام یا آزادی خواهانه	وجود شرکت‌ها و افراد قدرتمند از طریق سیستم‌های برنامه‌ریزی و تخصیص منابع، و تأثیرات بیشتری بر تصمیم‌گیری‌ها دارند. در این شیوه، عمل خودخواهانه افراد منجر به تأمین منافع شخصی است.	وجود متخصصان (شرکت‌ها و قدرتمندان) در برنامه عدم حضور و تصمیم‌گیری شهروندان عدم تأمین منافع جمعی
وکالتی یا حمایتی	در این الگو، برنامه ریزان به عنوان وکلای مدافع مردم و دفاع از حق و حقوق آن‌ها در مقابل قدرتمندان ذی نفع.	در این الگو نیز شهروندان جایگاهی ندارند. عدم قدرت بخشی به شهروندان. قدرت بخشی به برخی از ذینفعان
جنسیت محور محیطی	برتری جنسیت مردانه، تأکید بر لزوم هماهنگی با مردم، پذیرش نظارت گروهها و اقشار و توجه به ارزش‌ها، فرهنگ انسانی و تنوع فرهنگی در برنامه‌ها.	وجود تبعیض در برنامه‌ها و تأمین منافع گروهی (مردانه) عدم توجه به تمام شهروندان
واحد‌های همسایگی	در این الگو، دولت‌های محلی، مسائل را شناسایی و ظرفیت‌های پاسخگویی به مشکلات را ایجاد می‌کنند.	عدم جایگاه شهروندان و تصمیم‌گیری در برنامه‌ها
الگوی برنامه‌ریزی استراتژیک	این الگو بعنوان یک چارچوب مفهومی مناسب و ابزاری کارآمد که در تمام برنامه‌ریزی، توان سنجش وضعیت حال و آینده، تعیین جهت‌گیری و چشم‌انداز توسعه شهر را دارد، به کارآید. شناسایی عوامل درونی و بیرونی تاثیرگذار بر توسعه شهر و نیز شناسایی استراتژیهای اصلی توسعه شهر و رتبه‌بندی و اولویت‌سنجی این استراتژیها	عدم جایگاه شهروندان
الگوی استراتژی توسعه شهر (cda)	هدف از این الگو، افزایش رقابت‌پذیری، کارایی، ارتقای کیفیت سکونت و بهبود مدیریت شهری. الگوی مزبور به دنبال این است که عملکرد شهر را بر پایه و اساسی پایدار، بهبود بخشد و آن را بر مبنای عواملی چون رشد اقتصادی پایدار، بهبود فرصت‌های زندگی، کاهش فقر، ارتقای شرایط محیطی و بهداشت عمومی، به ویژه برای سکونتگاههای غیررسمی و اقشار فقیر.	عدم جایگاه شهروندان و تصمیم‌گیری در برنامه‌ها شارکت محدود بخش‌های عمومی، خصوصی و دولتی

(Birkland, 1992), (Cities Alliance, 2006:9), (رفعیان و شاهین‌زاد، ۱۳۸۸)

## یافته‌های پژوهش

از آنجا که شهروند هم دارای حقوق و هم متعهد به انجام وظایف و تکالیفی است لذا، در این تحلیل مجموعه حقوق شهروند و تعهدات و وظایف او در قالب شاخص‌هایی با توجه به بهره‌گیری از آزمون‌های آماری ارائه گردیده است.

## آزمون فرضیه پژوهش

فرضیه ۱: بین مؤلفه‌ها در بُعد حقوق شهروندی تفاوت معناداری وجود دارد.

جهت بررسی تأثیر هر یک از مؤلفه‌های مورد مطالعه در برنامه‌ریزی شهری شهروند مدار از آزمون  $t$  تک نمونه‌ای استفاده شد. بدین منظور با توجه به طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای نقطه برش ۳ انتخاب گردید نخست هر یک از مؤلفه‌ها را در هر یک از شاخص‌ها مورد بررسی قرار داده سپس به رتبه‌بندی هر یک از شاخص‌ها با استفاده از آزمون فریدمن پرداخته شده نتایج در جداول ذیل نشان داده شده است.

نتایج جدول شماره (۳) نشان می‌دهد که بین دو میانگین واقعی و مفروض در سطح  $P < 0/05$  تفاوت معنی‌دار وجود دارد میانگین شاخص‌های بخش حقوق شهروندی که از میانگین مفروض (۳) بالاتر است با توجه به مقدار  $t$  به دست آمده می‌توان گفت که دیدگاه پاسخگویان نسبت به تأثیر شاخص‌های مذکور به جزء شاخص پرستش و ایدئولوژی در شهروند مداری مثبت است؛ بنابراین فرض  $H_0$  تحقیق مبنی بر عدم تفاوت دو میانگین رد شده و در مقابل فرض  $H_1$  مبنی بر تفاوت دو میانگین مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

جدول ۳: بررسی اثر مؤلفه حیات بر برنامه‌ریزی شهری شهروند مدار

شاخص	Test Value = 3					
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
حیات	5.491	29	.000	.96667	.6066	1.3267
آزادی مسئولانه	9.200	29	.000	1.20000	.9332	1.466
عدالت	12.775	29	.000	1.46667	1.2319	1.701
کرامت، عزت و حریت	10.269	29	.000	1.3333	1.0678	1.598
تعلیم و تربیت	7.131	29	.000	1.10000	.7845	1.4155
امنیت	11.789	29	.000	1.46667	1.2122	1.7211
حق مالکیت	1.998	29	.055	.46667	.0111	.9444
مشارکت	13.813	29	.000	1.66667	1.4199	1.9134
رفاه اجتماعی	5.706	29	.000	.96667	.6202	1.3131
اختیار و اراده	4.892	29	.000	.76667	.4461	1.0872
پرستش و ایدئولوژی	-7.24	29	.475	-1.6667	-.6378	.3045

$$H_0: \mu = 3 \quad H_1: \mu > 3$$

فرضیه ۲: بین مؤلفه‌ها در بُعد وظایف شهروندی تفاوت معناداری وجود دارد.

نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که بین دو میانگین واقعی و مفروض در سطح  $P < 0/05$  تفاوت معنی‌دار وجود دارد میانگین شاخص‌های وظایف شهروندی که از میانگین مفروض (۳) بالاتر است با توجه به مقدار t به دست آمده می‌توان گفت که دیدگاه پاسخگویان نسبت به تأثیر شاخص‌های مذکور در شهروندمداری مثبت است؛ بنابراین فرض  $H_0$  تحقیق مبنی بر عدم تفاوت دو میانگین رد شده و در مقابل فرض  $H_1$  مبنی بر تفاوت دو میانگین مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

جدول ۴: بررسی اثر مؤلفه تعهدات و وظایف بر برنامه‌ریزی شهری شهروند مدار

شاخص	Test Value = 3					
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
قانون مداری	18.252	29	.000	1.63333	1.4503	1.8164
اخلاق مداری	7.663	29	.000	1.16667	.8553	1.4781
پذیرش عمومی منافع	9.336	29	.000	1.53333	1.1974	1.8692
سایرین احترام به حقوق	8.510	29	.000	1.30000	.9876	1.6124
مسئولیت‌پذیری	10.576	29	.000	1.50000	1.2099	1.7901

$$H_0: \mu = 3 \quad H_1: \mu > 3$$

فرضیه ۳: تأثیر همه مؤلفه‌ها در بخش حقوق شهروندی یکسان نیست. در این قسمت به منظور رتبه‌بندی مؤلفه و شاخص‌ها (به منظور مشخص نمودن مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در شهروندی، از آزمون رتبه‌ای فریدمن استفاده شد. نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های بُعد حقوق شهروندی تفاوت معنی‌دار وجود دارد ( $\chi^2=72/889$ ) و  $(Sig = 0/001)$ . نتایج نشان می‌دهد که مهم‌ترین مؤلفه‌ها به ترتیب اولویت در بُعد حقوق شهروندی مربوط به مشارکت (۸/۱۳)، عدالت (۷/۴۵)، امنیت (۷/۲۷)، کرامت، عزت و حریت (۶/۸۳)، آزادی مسئولانه (۶/۳۳)، تعلیم و تربیت (۵/۹۸)، رفاه اجتماعی (۵/۶۵)، حیات (۵/۶۳)، اختیار و اراده (۴/۸۳)، حق مالکیت (۴/۷۷) و در انتها پرستش و ایدئولوژی (۳/۰۷) بوده است.

جدول ۵: رتبه‌بندی مؤلفه‌های بعد حقوق شهروندی بر اساس آزمون فریدمن

شاخص	Mean Rank
حیات	5.68
آزادی مسئولانه	6.33
عدالت	7.45
امنیت	7.27
کرامت، عزت و حریت	6.83
تعلیم و تربیت	5.98
حق مالکیت	4.77
مشارکت	8.13
رفاه اجتماعی	5.65
اختیار و اراده	4.83
پرستش و ایدئولوژی	3.07

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۶: آزمون فریدمن برای بررسی تفاوت بین رتبه‌ها

Chi-Square	72.889
df	10
Asymp. Sig.	.000
a. Friedman Test	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

فرضیه ۴: تأثیر همه مؤلفه‌ها در بخش وظایف شهروندی یکسان نیست. نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های بُعد وظایف شهروندی تفاوت معنی‌دار وجود ندارد ( $\chi^2=8/826$  و  $\text{Sig} = 0/066$ ). نتایج نشان می‌دهد که مهم‌ترین مؤلفه‌ها به ترتیب اولویت در بُعد وظایف شهروندی مربوط به قانون مداری (۳/۲۷)، پذیرش منافع عمومی (۳/۲۷)، مسئولیت‌پذیری (۳/۱۵)، احترام به حقوق سایرین (۲/۷۷) و اخلاق‌مداری (۲/۵۵) بوده است؛ که به لحاظ آماری رتبه‌ها با هم تفاوت معنی‌دار ندارند.

جدول ۷: میانگین رتبه‌ای

شاخص	Mean Rank
قانون مداری	3.27
اخلاق‌مداری	2.55
پذیرش منافع عمومی	3.27
احترام به حقوق سایرین	2.77
مسئولیت‌پذیری	3.15

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۸: آمار Friedman Test

N	30
Chi-Square	8.826
df	4
Asymp. Sig.	.066

a. Friedman Test

### نتیجه‌گیری

آنچه امروزه در میان الگوهای برنامه‌ریزی شهری به چشم می‌خورد، ناکافی بودن حضور مردم و عدم توجه مکفی به نیازهای اساسی آنها در ایجاد محیط شهری است. موضوع شهروندی در همین زمینه و با هدف پاسخگویی مناسب به این کمبودها، به‌عنوان کیفیتی همه شمول و فراگیر مطرح

است. نتایج حاکی نشان می‌دهد که به موضوع و جایگاه شهروندی توجه لازم بعمل نیامده است در صورتی که اساس برنامه‌ریزی شهروند است. با دقت در این الگوها، ملاحظه می‌شود که اگرچه هر کدام بر جنبه‌ای از شهروندی تاکید دارند، ولی بستری برای حضور و مشارکت عموم شهروندان فراهم نمی‌آورند. در این الگوها، مشارکت برای گروههای برگزیده‌ای از مردم فراهم می‌شود و بیش از آن که در جهت منافع جمعی باشد در جهت منافع گروهی و طبقاتی عمل می‌کند. نتیجه آن که عموم شهروندان به شهر، منطقه و محله خود احساس تعلق و همبستگی نمی‌کنند. از این رو موضوع مورد ارایه در این پژوهش با هدف ارتقاء حس تعلق و خودمانی در بین شهروندان بوده که نهایتاً سبب افزایش احساس آسایش و آرامش و... آنها و منجر به رضایتمندی بیشتر عموم شهروندان می‌گردد. به این ترتیب و با حضور و لحاظ منافع عامه نتیجه غایی مورد انتظار یعنی همبستگی و پیوند اجتماعی و از پی آن افزایش توان اجتماعی حاصل می‌گردد و در صورتی که بین آن و مدیریت شهری پیوند مناسب و هم‌جهتی ایجاد گردد مساعدترین شرایط برای ظهور و بروز توسعه همه‌جانبه در شهر و تحقق اهداف برنامه‌ریزی شهری محقق خواهد شد.

در پژوهش حاضر پس از شناسایی مؤلفه‌ها در بخش شهروندی در دو بُعد حقوق و وظایف شهروندی با بهره‌گیری از آزمون‌های آماری T و فریدمن به تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه پرداخته شده است. نتایج حاکی از آزمون t نشان می‌دهد که، در بین مؤلفه‌های شهروندی در هر دو بُعد تفاوت معناداری وجود دارد. در این صورت هر دو فرضیه مورد تأیید می‌باشد. همچنین با استفاده از آزمون فریدمن، نگرش متخصصان نسبت به اهمیت هر یک از مؤلفه‌های مؤثر در هر دو بُعد شهروندی مشخص گردید. بدین ترتیب مشارکت (۸/۱۳)، عدالت (۷/۴۵)، امنیت (۷/۲۷)، دارای بیشترین تأثیر در شاخص‌های مربوط به حقوق شهروندی می‌باشد، و شاخص قانون‌مداری و پذیرش منافع عمومی با ضریب (۳،۲۷) نیز در بخش وظایف شهروندی از جایگاه و اهمیت بالاتری برخوردار می‌باشد. و این آزمون نشان می‌دهد که تمام مؤلفه‌های شناسایی شده در موضوع شهروندی در دو بُعد حقوق و وظایف شهروندی به یک اندازه تأثیر نداشته است و در این راستا هر دو فرضیه در این بخش مورد تأیید می‌باشد.

## کتابشناسی

۱. ترکمان، فرح؛ بهمن‌پور، سکینه (۱۳۸۸)، نقش شهروندی براساس کتابهای علوم اجتماعی دوره دبیرستان، فصلنامه علوم رفتاری، صص ۲۱-۱؛
۲. پورطهماسبی، سیاوش؛ تاجور، آذر (۱۳۹۰)، حقوق و تربیت شهروندی در نهج البلاغه، پژوهشنامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۲۳-۱؛
۳. پللو، روبر و ابوالفضل قاضی (۱۳۷۰)، شهروند و دولت، تهران، انتشارات دانشگاه تهران؛
۴. فالکس، کیث (۱۳۸۱)، ترجمه محمدتقی دلفروز، شهروندی، تهران: انتشارات کویر؛
۵. کلانتری، خلیل (۱۳۸۹): پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی با استفاده از نرم‌افزار spss، انتشارات فرهنگ صبا، تهران؛
۶. کلمن، جیمزاس (۱۳۸۰)، ترجمه‌ی غلامرضا خواجه سروی، نشانگان توسعه: انفکاک ساختاری - برابری - ظرفیت، در کتاب پای لوسین و دیگران، بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه‌ی سیاسی، تهران، انتشارات پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی؛
۷. نهج البلاغه (۱۳۸۰)، ترجمه‌ی محمد دشتی، قم: مشهور؛
۸. هزارجریبی، جعفر؛ صفری شالی، رضا (۱۳۸۹)، بررسی تعامل دو مفهوم شهروندی و امنیت اجتماعی، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره سوم، سال سوم، پاییز؛
۹. حسینی، سیدعلی (۱۳۸۲)، سازوکارهای مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری، دانشگاه تربیت مدرس؛
۱۰. عاملی، سعید (۱۳۸۰)، تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸؛
۱۱. رفعیان، مجتبی، شاهین راد، مهنوش (۱۳۸۸)، راهبرد توسعه شهر در جهت تحقق توسعه شهری (با تأکید بر برنامه راهبردی شهر کرمان، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره دوم شماره؛
۱۲. فتحی و مختارپور (۱۳۹۰)، توسعه شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال سوم، شماره چهارم؛
۱۳. حسینی، سیدعلی (۱۳۸۲)، سازوکارهای مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری، دانشگاه تربیت مدرس؛
۱۴. شکویی حسین (۱۳۷۷)، فلسفه سیاسی، جغرافیا و برنامه‌ریزی، جغرافیا در ایران، تهران؛
۱۵. عبدی دانشپور، زهره (۱۳۸۷)، درآمدی بر پایه‌های نظری و گونه‌بندی نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی؛
۱۶. دانشور، مریم؛ بندرآباد، علیرضا (۱۳۹۲)، بررسی انطباق طرح‌های توسعه و عمران جدید کشور با



ویژگی‌های طرح ساختاری راهبردی (مطالعه موردی: طرح توسعه و عمران شهر مشهد)، هویت شهر، شماره چهاردهم، سال هفتم، صص ۹۲-۸۳؛

۱۷. مهدیزاده، جواد (۱۳۸۶)، برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری، شرکت طرح و نشر پیام سیما، تهران؛

۱۸. مهدیزاده، جواد (۱۳۸۰)، به سوی شهرسازی دموکراتیک، فصلنامه مدیریت شهری، سال دوم، شماره ۵؛

۱۹. نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۴)، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت کشور، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران؛

20. Birkland jenis. (1991). An Ecofeminist Critic Of Mainstream Planing The Trumpeter: Journal Of Ecosophy V.8.N.2;
21. Birkland jenis. (1992). Community Participation in urban Project Assessment an Ecofeminist Analysis. University Of Wollongony;
22. Campbell, S. (1997). Reading in Planning Theory, Oxford;
23. City Alliance (2006), "Guide to City Development Strategies Improving Urban Performance", First printing. [http://www. Citiesalliance. Org](http://www.Citiesalliance.Org);
24. Coleman J.S, Leonard Binder, Joseph La Palombara, Lucian W. Pye , Sidney Verba Myron Weine (1971) Crises And Sequences In Political Development .Princeton ,N J:Princeton Univrersity Press;
25. Frey, Brun (2003), Flexible Citizenship For a Global society .Politics, Philosophy and Economics,(2),pp 93-114;
26. Gulling Worth,J.B . ( 1997). Planning in USA. London: Routledge.
27. Janoski,T(1997), Citizenship And Civil Society A Framework Of Rights And Obligation In Liberal Traditional And Social Democratic Regimes :Cambridge University Press;
28. Turner,bryan, S..(1990). Outline of a Theory of citizenship, sociology vol.24;
29. Turner,bryan, S..(1993). Outline of a Theory of Human rights, sociology vol.27; <http://www.ui.ac.ir/red/mainpape/03magalat/ensani>.